

آلفونس گابریل در دیدار از کویرهای ایران

دکتر محمدهادی ورهرام^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۱

چکیده

مقاله پیش رو دستاوردهای سفرهای آلفونس گابریل، ایرانشناس اتریشی را به کویرهای ایران مورد بررسی قرار میدهد. گابریل در اوایل قرن بیستم، چندین بار به همراه همسرش به کویرهای ایران مسافرت کرد. مهمترین تفاوت بارز وی از دیگر سیاحانی که از ایران گذر کرده‌اند، این است که او قبل از سفر به ایران، نقشه مسیر و آثار سیاحان، گیاه‌شناسان، نقشه‌برداران، جانورشناسان، باستان‌شناسان، مأموران دولتی، پزشکان، مستشاران و دیگر خارجیانی را که به ایران آمده بودند، مورد مطالعه و بررسی قرار داد. وی سپس بمنتظر کشف ناشناخته‌ها، کویرهای ایران را درنوردید. در نتایج سفرهای گابریل که توسط او به رشته تحریر درآمده است، نکات ارزشمندی درباره فرهنگ، مذهب و نژاد ایرانیان بچشم میخورد. پژوهش حاضر با اتخاذ روش مطالعات کتابخانه‌یی به بیان این نکات پرداخته است.

کلیدواژگان

کویرهای ایران؛ تحقیقات جغرافیایی؛ کویرشناسی؛ ایرانشناسی؛ سفر به ایران؛ آلفونس گابریل

مقدمه

آلفونس گابریل^۱ و همسرش اگنس گابریل^۲ سه بار در سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۸، ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ م. به ایران مسافرت کردند. نتیجهٔ اولین سفر آنها به ایران (۱۹۲۷-۱۹۲۸ م.)، کتاب *در شرق دور از دنیا*^۳ در دست ترجمه است (گابریل، ۱۳۹۲: ۷). کتاب دیگری از او به نام *مارکوپولو در ایران*^۴، در ایران به فارسی ترجمه و منتشر شده است (گابریل، ۱۳۸۱؛ همو، ۱۳۸۵). سفر دوم آنها به ایران، در سال ۱۹۳۳ م. صورت گرفت که حاصل آن انتشار کتابی با عنوان *Durch Persiens Wüsten* بوده که آن نیز در ایران با عنوان *سفرنامهٔ آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران*^۵ ترجمه شده است (گابریل، ۱۳۹۲). حاصل سفر سوم آنها به ایران در سال ۱۹۳۸ م. منجر به انتشار کتابی تحت عنوان *Aus den Einsamkeiten Irans* (در خلوتگاه ایران)^۶ شده است. نتیجهٔ دوازده سال مطالعه و بررسی *سفرنامهٔ آلفونس گابریل* نیز تحت عنوان *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*^۷ به فارسی ترجمه و در مجموعه‌ی مستند، بوسیلهٔ دو کشور ایران و اتریش (برای زنده نگاه داشتن نام آلفونس گابریل) تهیه و از تلویزیون هر دو کشور پخش شده است (گابریل، ۱۳۴۸؛ همو، ۱۳۹۳؛ سیدی، ۱۳۹۰: ۲). مؤلف این کتاب ایران را قلب مشرق‌زمین دانسته و دیدار از کویرهای ایران را از بارزترین خاطراتش بشمار می‌آورد. او میگوید:

کویرها جاذبهٔ خاص خود را دارند و این مناطق بی روح که معیارهای انسانی را به تمسخر گرفته‌اند، تأثیر عظیمی بر مشاهدات و تفکرات می‌گذارند. دنیایی که ما در جستجویش بودیم بسان ستاره‌ی تنها، بی حرکت و رها از هرگونه مسائل گذرا، فراسوی مرگ و زندگی قرار دارد.

1. Alfons Gabriel (1894-1976)

2. Agnes Gabriel Kummer

3. *Im weltfernen Orient, ein Reisebericht by Alfons Gabriel*, Published 1929 by R. Oldenbourg in Munchen, Berlin, Written in German. München & Berlin, Oldenbourg, 1929. *Im weltfernen Orient*

4. Wien, Verlag Typographische anstalt, 1963. *Marco Polo in Persien*

5. Stuttgart, *Strecker und Schroeder*, 1935

6. *Aus den einsamkeiten Irans; dritte forschungsfahrt durch die wüste Lut und Persisch Balochistan mit einer reise durch Süd_Afghanistan*, Stuttgart, Strecker und Schröder Verlag, 1939. Alfons Gabriel (mit Agnes Gabriel.Kummer): *Aus den Einsamkeiten Irans. 3. Forschungsfahrt durch die Wüste Lut und Persisch_Balocistan mit einer Reise durch Süd_Afghanistan* (Strecker & Schröder, Stuttgart 1939)

7. *Die Erforschung Persiens: die Entwicklung der abendländischen Kenntnis der Geographie Persiens*

برای کسانی که با او بیگانه‌اند، مفهومی جز بیم و هراس ندارد و در قلب کسی که با زیباییها و هراسهای آشنا شده، شوقی غیرقابل تسکین برای بازگشت دوباره جا داده است. کویر کسی را که یک‌بار گرفتار افسونش شده باشد، رها نمی‌کند. ... بخش نامسکون مرکزی این سرزمین [ایران]، جایی که تاکنون پای کسی به آن نرسیده و ساکنان آن ناشناخته مانده‌اند، بیشتر از هر چیز دیگر ما را به سوی خود میکشد. این بخش با خصوصیات طبیعی هراس‌انگیز و با عظمت خود که بصورت اریب، مانند کمربندی خاک ایران را در برگرفته، قسمتی از منطقه بسیار خشک دنیای کهن است که در آن آب‌وهوای خشک، بشدت اثر گذشته و ضایعات گسترده‌یی را باعث شده است (گابریل، ۱۳۹۲: ۹-۱۱).

در این تحقیق ابتدا به شرح حال زندگی، سفرها و وصف دیدارهای او از کویرهای ایران و دستاوردهایش پرداخته میشود. اگرچه پی‌بردن به عمق دستاوردهای علمی سفرنامه آلفونس گابریل، بسادگی امکان‌پذیر نیست؛ اما با مطالعه و بررسی سفرهای او به کویرهای ایران، شاید بتوان گوشه‌یی از راز عشق و علاقه آلفونس گابریل را به این مناطق، بعنوان یک کاشف بزرگ بازگو کرد. سفرهای گابریل و همسرش به کویرهای ایران، به امید یافتن چیزی گرانبها یا جستجو برای کشف ذخایر ارضی، معادن مواد خام و دستیابی به امکانات تازه برای دادوستد نبوده است. آنها تلاش میکردند که در سایه علم کویرشناسی فضاهای ناشناخته را بشناسند و پاسخ سؤالات خود را دریافت کنند.

زندگینامه آلفونس گابریل

آلفونس گابریل در چهارم فوریه ۱۸۹۴م. در شهر براین^۱ واقع در بوهمین^۲ در کشور اتریش (جمهوری چک فعلی) بدنیا آمد. خانواده او در سال ۱۹۰۳-۱۹۰۴م. به وین مهاجرت کردند. گابریل دوره دبیرستان را در وین سپری کرد. وی در جوانی توانست مقدمات جمع‌آوری و طبقه‌بندی علمی را نزد پروفیسور فرانس ورنر^۳ استاد جانورشناسی دانشگاه وین فرا گیرد و نخستین کتابش را درباره کلونیه‌های فلامینگو در بونائیر (هند غربی) و نحوه تخمگذاری آنها را (که در آن ایام بسیار سؤال‌برانگیز بود)، به نگارش درآورد (خوانساری، ۱۳۸۵). گابریل در سال

1. Beraun

2. Böhmen

3. Franz Werner (1867-1934)

۱۹۱۲ م. بعد از کسب دیپلم در دبیرستان، تحصیلات دانشگاهی در رشته پزشکی را آغاز کرد. وی در خلال جنگ جهانی اول، تحصیلات خود را نیمه تمام رها کرد و تا سال ۱۹۱۸ م. خدمت سربازی را گذراند. بعد از پایان خدمت سربازی به ادامه تحصیل در رشته پزشکی مشغول شد. گابریل، عاشق سفر به سرزمینهای کویری بود. مهمترین عامل ایجاد انگیزه و علاقه او برآمده از مطالعه کتابهای زمین شناس آلمانی، یوهانس والتر^۱، به نام *قانون تشکیل کویر در گذشته و حال* و کتاب سون هدین سوئدی^۲، *کویرهای ایران* بود (هدین، ۱۳۵۵). سون هدین سرمشق و الگویی بزرگ برای گابریل محسوب میشد. در سال ۱۹۲۰ م. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته پزشکی در دانشگاه وین به اتمام رساند و بمدت دو سال در بیمارستان «ویلهم اینن اسپیتال»^۳ در وین خدمت کرد. سپس یک سال بعنوان پزشک در جنوب جزایر کارابیک و سال بعد بهمراه همسرش اگنس گابریل کومر، در جزیره بخش غربی هند به نام بونر خدمت کرد. در سال ۱۹۲۵ م. به اروپا بازگشت. در سال ۱۹۲۶ م. بعنوان پزشک کاروان حج، مسافران اندونزیایی عازم به جده را از بخش تحت سلطه هلند هند، همراهی کرد (Pietsch, 2011: 8).

اولین سفر گابریل و همسرش به ایران

در سال ۱۹۲۷ م. گابریل پس از یادگیری مقدماتی زبان فارسی در «انستیتو شرق شناسی وین»^۴، بهمراه همسرش راهی سفر به کویرهای کشورهای عربی شد. آنها در شروع سال ۱۹۲۸ م. سعی کردند، مسیر سفر مارکوپولو را دنبال کنند. سفر آنها بطول ششصد کیلومتر در طی چهارده روز از دمشق شروع و به صحرای شمالی بغداد و خلیج فارس و مسقط و عمان (بعلت جلوگیری از سفر آنها به عربستان از طرف نیروهای انگلستان) و از آنجا به قشم و بندرعباس بسمت کوههای بشاگرد، هودیان، سرحد و جزیره جازموریان ادامه یافت. متأسفانه همسر گابریل در میانه مسیر بیمار شد و گابریل نتوانست این مسیر را دنبال کند و بناچار تا بهبودی او در کرمان توقف کرد. در ادامه گابریل تصمیم گرفت به تنهایی به ادامه مسیر بپردازد. بنابراین تنها از بم بسمت کویر لوت حرکت و از کوه کوهبنان و بهاباد گذر کرد و به صحرای طبس و از آنجا به حلوان و بیابان باتلاقی

1. Johannes Walter (1860-1937)

2. Seven Hedin (1865-1946)

3. Wilhelm Inen Hospital

4. Das Institut für Orientalistik in Wien

کویبر نمک رسید. بعد از طی این مسیر از راه کوه بنان و از کویبر جندق و کویبر ریگ جن عبور کرد. بدینسان او اولین اروپایی بود که تحت حمایت میر برکت‌خان فرمانروای مقتدر بزرگ، وارد منطقه بشاگرد و انگوران شد و پژوهشی در مورد مردم آن منطقه و فرهنگ بومی آنجا انجام داد. گابریل در قشم به جنگلهای حرا وارد شد و به تحقیق در مورد درختان جنگلی آنجا پرداخت. سپس از کوه گنو در بندرعباس بالا رفت و به چشمه گنو رسید. گابریل در آنجا یک نمونه از ماهیهایی را که در چشمه آبگرم معدنی زندگی میکردند، برای تحقیق به وین برد. در بشاگرد به تحقیقات مردم‌شناسی دست زد و متوجه شد که اختلاف نژادی و طبقاتی بین بردگان تیره رنگ و اربابان ایرانی بلوچ وجود دارد. او در ادامه سفر از رودبار به جزیره جازموریان رفت و از آنجا وارد مسیر زائران حرم امام رضا، سمنان به مشهد، شد و سپس بسمت تهران حرکت کرد و بالاخره به همراه همسرش از راه بغداد و حلب به وین بازگشت. گابریل توانست در امتداد مسیر مارکوپولو از کویبر مرکزی ایران عبور کند و مسافتی در حدود دویست کیلومتر را در بیابانهای ایران طی کند. گابریل پس از بازگشت از سفر اول به وین در سال ۱۹۲۹ م سعی کرد، تمام نمونه‌های جمع‌آوری شده را که در طی سفر از کویبرهای ایران، شامل نمونه‌هایی از جانوران، حشرات، سنگها، ماسه‌ها، گلها و گیاهان بدست آورده بود، در اختیار دانشگاه و موزه وین قرار دهد. وی نوشته‌های خود و همسرش را در اختیار جغرافیدان آلمانی اِریلیش فُن درایگالسکی^۱ قرار داد. گابریل برای تدوین کتابهای خود از افراد و سازمانهای دیگر هم برای تبادل اطلاعات و استفاده از تجربیات و منابع تحقیقاتی آنها، بهره زیادی برد که از جمله میتوان به آثار این افراد اشاره کرد: مین هارد فایندلر^۲، اگن ابرهومر^۳، هوگو هازینگر^۴، اُسکار فُن نیدرمایر^۵، سِر ادوارد دنیسون رُس^۶، آکادمی علوم اُتریش^۷، انجمن جغرافیدانان وین^۸، آکادمی علوم بَیرن^۹، هانس

1. Erlich von Drygalski (1865-1949)

این جغرافیدان آلمانی کسی بود که در سال ۱۹۰۱ - ۱۹۰۳ م به یک سفر اکتشافی به قطب جنوب دست زده بود و در سال ۱۹۰۶ - ۱۹۳۵ م دارای کرسی استادی در رشته زمین‌شناسی در دانشگاه مونیخ بود.

2. Meinhard von Pfandler (1872-1947)

3. Eugen Oberhummer (1859-1944)

4. Hugo Hassinger (1877-1952)

5. Oskar von Niedermayer (1885-1948)

6. Sir Edvard Denison Ross (1871-1940)

7. Kkademie der Wissenschaft in Wien

8. Wiener Geographischer Gesellschaft

9. Bayerische Akademie der Wissenschaft

بویک^۱. گابریل در همان سال نیز، بعنوان پزشک کشتی در مسیر جاوه، چین و ژاپن مشغول بکار شد و سپس توسط دولت هلند، برای غلبه بر بیماری مالاریا، بعنوان پزشک بیماریهای استوایی در سوماترا و سنگاپور، عازم آن کشورها شد. دستاورد علمی او در طی این مأموریت، طرح یک نقشه عملیاتی برای براندازی پشه مالاریا در آن جزایر بود. گابریل در سال ۱۹۳۲ م. از سمت خود در اندونزی کناره‌گیری کرد و آماده دومین سفر تحقیقاتی خود به همراه همسرش به ایران شد (Ibid, 2011:9 - 23).

دومین سفر گابریل و همسرش به ایران

دومین سفر آلفونس گابریل و همسرش به ایران در اوایل سال ۱۹۳۳ م. آغاز شد. سفر آنها از آن نقطه‌یی که اولین سفر آنها به پایان رسیده بود، آغاز شد. آنها از قفقاز وارد ایران شدند و خود را به تهران و سمنان و از آنجا به جاده سنگفرش بیابانی که در زمان صفویه ساخته شده بود، رساندند. از سمت جنوب شرقی کویر عبور کرده و بعد از گذر از کوهستان و کمربند خشکی به بیابان مرغاب‌کوه رسیده و در آنجا به اندازه‌گیری جریانهای آبی کویر اقدام کردند. در این سفر گابریل و همسرش پس از عبور از حاشیه دریاچه نمک، وارد قم شدند و تحت تأثیر جلال و شکوه مرقد حضرت معصومه (س) قرار گرفته و یک هفته در آن شهر اقامت کردند. هدف آنها در این سفر جمع‌آوری اطلاعات در خصوص کویر لوت و رسیدن به عمیقترین نقطه کویر شهادت و بازدید از ریگ‌جن (سیاحت، ۱۳۹۳) و خور و جندق و سفر به منطقه سرحد (خط مرزی پاکستان و ایران) و کشف علائمی از فرهنگ باستانی بود. با وجود این، امکان عبور از کویر لوت برای آنها فراهم نشد؛ ولی گابریل در ماسه‌های روان کویر به گونه‌یی ناشناخته از مارمولک دست یافت که بعد از بازگشت به وین، جانورشناسان اتریشی این مارمولک را گابریلی نامگذاری کردند. گابریل نتایج علمی سفر خود را در سال ۱۹۳۴ م. در مقاله‌یی در مجله جغرافیدانان اتریش و در سال ۱۹۳۵ م. در کتابی بعنوان *گذری از بیابانهای ایران و عبور از مناطق خشک ایران*^۲ بچاپ رساند (Gratzel und Robert Kostka, 2009: 193-202).

در سال ۱۹۳۴ م. گابریل حرفه پزشکی خود را بعنوان پزشک کمکی در اورژانس وین و سپس

1. Hans Bobek (1903-1990)

2. *Durch Persiens Wüsten. Neue Wanderungen in den Trockenräumen Innerirans*, Alfons Gabriel; Agnes Kummer Gabriel; Stuttgart, Strecker und Schroder, 1935.

بعنوان پزشک محله در والد فیرتل^۱ (استان نیدر اُستریش)^۲ ادامه داد تا از این راه درآمدی کسب کند. او و همسرش با توجه به مشکلات اقتصادی زیاد، به زحمت توانستند هزینه سفر تحقیقاتی خود را به ایران تهیه کنند (Pietsch, 2011: 13-14).

سومین سفر گابریل و همسرش به ایران

از نگاه گابریل، جنوب کویر لوت ایران منطقه‌ی ناشناخته باقی مانده بود؛ بنابراین در سال ۱۹۳۷ م. گابریل و همسرش مبادرت به سومین سفر خود به قصد کنکاش در این منطقه کردند. آنان سفر خود را از ورامین شروع کرده و با عبور از قم و حرکت به سمت جندق، حلوان، خور و با تغییر جهت بسمت شمال، به مزینان (در استان خراسان) رفتند و دوباره با حرکتی بسمت جنوب و عبور از کویر بزرگ از شرق بسمت غرب حرکت کردند. در این سفر بود که آنها به بزرگترین هدف خود نائل آمدند؛ گذر از کویر لوت از حوضه آبخیز شهداد. این تنها حلقه کمر بند خشکی داخل ایران است که خارج از کمر بند نمکی بیابانی قرار دارد. گذر از کویر لوت به همراهی پنج نفر محلی و هشت نفر شتر، شش روز بطول انجامید. در ادامه سفر از طریق تربت جام و بیرجند بسمت کرمان و با مرارت بسیار، بسمت زاهدان حرکت کرده و از آنجا به منطقه سرحد و خاش و از طریق مرز میرجاوه از ایران خارج و به افغانستان وارد شدند (Ibid: 12 - 25).

گابریل بعد از بازگشت از سومین سفر تحقیقاتی خود، بعنوان پزشک محلی در لاین دُرف در کورنُوی بورگ^۳ مشغول بکار شد. در همان سال همایشی در لندن تشکیل شد که جغرافیدانان سلطنتی در آن دعوت شده بودند. وی در این همایش در مورد نتایج سفرش به شرق، سخنرانی کرد. دستاورد مهم گابریل در سفر سوم تحقیقاتی‌اش، رسیدن به عمیقترین نقطه کویری دنیا از لحاظ ارتفاع نسبت به سطح دریا (۱۱۰ متر)، گرمترین نقطه روی کره زمین (۷۰ درجه سانتیگراد) و نمونه برداری از سنگ، شن و اقلام دیگری از این منطقه بود تا بدین وسیله بتواند، اطلاعات زمین‌شناسی بیشتری کسب کند. پس از ۱۹۴۵ م. گابریل، بعنوان پزشک در روستای لئوبن^۴ (استان نیدراوستریش) و بعدها، بعنوان استاد مهمان و پروفیسور دانشگاه تجارت جهانی (دانشگاه

1. Wald Fiertel
2. Nieder Oesterreich
3. Leibendorf von Korneuburg
4. Leoben

اقتصاد وین کنونی) مشغول بکار و تا سال ۱۹۵۹ م که در آن دانشگاه بازنشسته شد، به خدمت مشغول بود.

نتایج بازدید علمی از کویرهای ایران از منظر گابریل

گابریل در کتاب خود، درباره کویرهای ایران و راههای دسترسی به آن مینویسد:

هیچ یک از اهالی بومی در اینجا از راهی که توماشک با شترهای تندرو پشت سر گذاشته و هشت روزه از دستگردان^۱، با عبور از باتلاق به تروود^۲ رسیده است، اطلاعی ندارند. راه شش روزه مورد ادعای اف اِ بوهزه^۳ که مستقیماً از میان کویر نمک کاروانها را به حلوان و تروود میرساند نیز قابل قبول نیست. راه ترسیم شده سی ای استوارت^۴ در روی نقشه که از چهار ده از میان کویر به تروود میرود، مانند راهی که سی ام مک گرگور^۵ از خور به سمنان روی نقشه ترسیم کرده است، هرگز وجود ندارد (گابریل، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

گابریل میگوید:

انسان با تعجب ناظر است که شخص راهنما چگونه بر اساس علائمی که برای افراد غریبه یک معماست (زیرا هیچ چیز بخصوص در اطراف وجود ندارد که بتواند در یافتن راه کمک کند)، آرام و قاطع بسوی هدفی که به هیچوجه از نزدیکترین فاصله قابل تمیز نیست، پیش میرود. تمام وجود این فرزندان کویر متوجه کویر است. قابلیت موروثی نسل به نسلی که ما فاقد آن هستیم به آنها اجازه میدهد صدها کیلومتر راه دور و دراز را که گاه سالهاست نپیموده‌اند، بدون هرگونه خطایی طی کنند (همان: ۲۴۹).

نویسنده در ادامه مینویسد:

ما در حین تماشای این منظره شگفت‌آور کشف مهمی کردیم. کمی دورتر از مسیر، بقایایی

۱. روستایی از توابع بخش دستگردان، در شهرستان طبس، استان خراسان جنوبی ایران

۲. تروود در فاصله حدود ۱۳۰ کیلومتری جنوب شاهرود در استان سمنان قرار دارد.

3. F.E. Buhse

گیاه‌شناس روسی که در آوریل ۱۸۴۹ م در جهت خط استوا از دامغان، جندق وارد کویر بزرگ شد و از باتلاقیهای نمک عبور کرد.

4. C.E. Stewart

5. C.M. Macgregor

از خشت پخته یافتیم. با جستجوی دقیقتر در «شهر لوت»، زمین در محدوده وسیع و در نقاطی دور از هم با خرده سفالهای پخته پوشیده شده بود که برخی از آنها نقش‌دار و برخی دیگر دسته‌دار و گردنی بلند داشتند. خرده سفالها متعلق به ظروفی بود که در سفرهای کویری هرگز همراه برداشته نمیشد. بنظر میرسد که در تهیه آنها از دو نوع خاک رس استفاده شده باشد که یکی قرمز رنگ و دیگری نخودی رنگ بود. انسان در این جا واقعاً با یک معما روبرو است. چگونه امکان داشت که بشر در دل «لوت» که از دوران کهن چیزی جز کویر واقعی نبوده است، زندگی کرده باشد؟ چگونه میزیسته و چه میکرده است؟ آب خود را از کجا تأمین میکرده است؟ (گابریل، ۱۳۹۲: ۲۹۰).

نتیجه‌گیری

گابریل اولین ایران‌شناس و اولین اروپایی بود که وارد منطقه بشاگرد و انگوران شد و پژوهشی پیرامون مردم کویرنشین آن منطقه و فرهنگ بومی آن منطقه انجام داد. عبور از قسمت جنوبی کویر لوت در فضایی به مساحت سه هزار کیلومتر مربع و رسیدن او به گرمترین نقطه روی کره زمین و کشف نمونه‌های جدیدی از گیاهان، جانوران، حشرات و نمونه‌برداری از سنگ، شن و گذر از کویر لوت از حوضه آبگیر شهداد و توضیح او در خصوص طرز تشکیل کویرها و وجود مرتفعترین کوههای شنی در ایران، بسیار باارزش است. گابریل و همسرش در تمام مسافرتها خود به ایران و وظیفه خود میدانستند، به قسمتهایی از کویر داخل شوند که تا آن موقع پای کسی به آن منطقه نرسیده بود. همچنین آنها میخواستند اطلاعات و مواد بیشتری برای شناسایی کویرهای ایران جمع‌آوری کنند.

منابع

- گابریل، آلفونس؛ مارکوپولو در ایران، ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱.
- _____؛ مارکوپولو در ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۵.
- _____؛ سفرنامه آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، چاپ اول، تهران: انتشارات ایرانشناسی، ۱۳۹۲.
- _____؛ تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه خواجه‌نوری، تصحیح هومان - خواجه‌نوری، چاپ اول، تهران: انتشارات ابن‌سینا، آذر ۱۳۴۸، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۹۳.
- هدین، سون؛ کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۵.

مقاله

- خوانساری، خسرو؛ «از آلپ تا کویر، شرح حال و آثار دکتر آلفونس گابریل محقق و ایران‌شناس اتریشی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن ۱۳۸۲، صص ۱۱۶-۱۲۹.

مصاحبه

- سیدی، فخرالدین (مستندساز طبیعت)؛ ماهنامه KWC، مهر ۱۳۹۰.

منابع لاتین

- Gratzl und Robert Kostka . *Berge des Iran, in: Die Bergwelt des Iran*, hrsg. von Karl Graz, 2009.
- Pietsch, Roland. *In den Einsamkeiten Irans –Alfons Gabriels Expeditionen durch persische Wüsten*, Spektrum Iran, Wien, 2011.